القاب و صفت های نویسندگان (1)

جانبخش، احترام

بنام خداوند بخشنده مهربان

و درود خدای و سلامتی باد بر بزرگ ما محمد و دودمان و یاران او

شاهراه دوم

در گفتار لقب‏ها و صفت‏هائی که نویسندگان زمان بکار میبرند و روشن‏ نمودن معانی آنها و اینکه هر یک از آنها درباره چه کسانی از سپاهیان و دیگران‏ بکار میرود.و ان بر دو گونه است:

گونه یکم

القاب اسلامی که آن نیز بر دو رسته است‏

رسته اول

برای مردان و آن بر دو پاره است‏

پاره اول

لقب‏های مفرد که تنها در اصطلاح نویسندگان باسم لقب بکار میرود و در زیر همگی آنها به ترتیب حروف تهجی برای سهولت بدست آوردنشان‏ گردآوری شده است

حروف الف

الاتابکی-آن از لقب‏های سرداران سپاه است و آنچه از معنی آن‏ بر میآید کسی است که(قائمقام-کفیل و مانند آن)باشد و لفظ اتابک خاص‏تر از آنست و این لقب را در گفتار بر القاب صاحب منصبان مقدم میدارند.

(1)-قسمت ششم از کتاب صبح الاعشی تألیف شیخ ابو العباس احمد- قلقشندی. و در اصل با طا نوشته میشده و بر اثر بکار رفتن به ت(نقطه‏دار)برگردانیده‏ شده است و معنی آن(پدر شاه)است و بدینجهت نسبتی که بآن داده میشود برای‏ بزرگداشت میباشد و راستی آنکه اگر این لقب بکسی غیر از فرمانده سپاه نسبت‏ داده شود و آنکس داری چنین صفتی باشد در اینصورت نسبت لقب بصاحب آن‏ از باب نسبت حقیقی است.

الاتقی-از لقب‏های پادشاهان مغرب است که از دربار پادشاهی بآنان‏ نامه نوشته میشود آنهم بمنظور معامله متقابله در مواردیکه این کلمه در نوشته‏ های پادشاهان مغرب دیده میشد و این کلمه(الاتقی افعل تفضیل از کلمه تقوی‏ اسم فعل در اتقی میباشد و اتقی در اصل او تقی بوده و ریشهء اصل آن وقی‏ میباشد).

الاثیر-با ث سه نقطه از لقب‏ها خداوندان قلم از قبیل دادرسان- دانایان و نویسندگان و مانند آنان میباشد و گاهی نیز برای لقب نیکوکاران‏ بکار رفته است و ریشه لغتی آن بمعنی دوستی بی‏آلایش است و بدینجهت شایسته‏ است لقب هر کس که به دوستی بی‏آلایش منسوب است از خداوندان شمشیر و قلم هر دو بشود و الاثیری که منسوب بآن است برای مبالغه بکار میرود(اثیر بر وزن فعیل و صیغه مبالغه است و اصل آن اثر است)

الاثیل-با ث سه نقطه هم‏چون الاثیر از لقب‏های خداوندان قلم است‏ و در لغت معنی آن ریشه‏دار است و از اینرو گفته میشود مجد مؤثل و اثیل(شرف‏ ریشه‏دار)یعنی اصیل و ریشه‏دار و بدینجهت شایسته است که این کلمه لقب هر اصل‏ و نسب‏داری از خداوندان است و از این رو گفته میشود مجد مؤثل و اثیل (شرف‏ ریشه‏دار)یعنی اصیل و ریشه‏دار شمشیر با قلم بشود و الاثیلی که منسوب بآنست‏ برای مبالغه بکار میرود(اثیل بر وزن فعیل صیغه مبالغه است و اصل آن‏ اثل است).

الاجل-از لقب‏هائی است که معمولا برای پادشاه بکار میرود چنانچه‏ میگویند السلطان السید الاجل و این لقب برای اشخاص عالی مقام(نه زیر دستان آنان)نیز بکار برده میشود و میگویند(السامی الاثیر الاجل)و امثال‏ آن و این امر بجهت آنکه لقب مزبور برای مقامات عالی و دانی هر دو بشرحی‏ که بزودی اگر خدا بخواهد بیان خواهد نمود بکار میرود مورد قبول نویسندگان این زمان نیست.این لقب در دولت فاطمیان بزرگترین لقب و با ارج‏ترین‏ آنها بود بطوریکه ابن شیث در(معالم الکتابه)گفته است آن لقب برای غیر از وزیر روانیست چه وزارت در روزگار آنان بمانند شاهی در روزگار ما بوده است و نویسندگان آنرا گردانیدند تا جائیکه برای پائین‏ترین رده بکار بردند و الاجلی که منسوب بانست برای مبالغه بکار میرود(اجل-بر وزن افعل‏ افعل تفضیل از کلمه جل است).

الاخص-از لقب‏های خداوندان شمشیر است و نویسندگان وقتیکه یاء نسبت آنرا بیاندازند در پائین‏ترین رده القاب برای اشخاص عالی مقام(نه‏ برای زیر دستان آنان)بکار میبرند-چه آن بمعنی بلند است و از خصوصیت‏ که بمعنی ویژه بودن در چیزی است گرفته شده و بدینجهت سزاوارتر استکه‏ ویژه نزدیکان دربار(نه دیگران)بکار رود و الخصی که منسوب بآنست برای‏ مبالغه بکار میرود(اخص-بر وزن افعل-افعل تفضیل از کلمه خص است.

الاخوی-از لقب‏های مخصوصی است که در بیشتر نامه‏های دوستان‏ بکار میرود و گاهی نیز در نامه‏های دو پادشاه که هم نیرو باشند نوشته‏ میشود و این کلمه منسوب است به اخوه(برادری)و مانند اینستکه نویسنده‏ طرف را حقیقتا برادر خود شمرده است(ریشه اصلی کلمه ازاخ-اخو بمعنی‏ برادر استکه از آن اخاء و اخوه مشتق شده است).

الاریب-از لقب‏های نویسندگان است و در لغت بمعنی خردمند میباشند و از آنجهت به زیر کان ارب(ماهر-عاقل)گفته‏اند که زیرکی قسمتی از خردمندی است و الاریبی که منسوب بآنست برای مبالغه بکار میرود(اریب‏ بر وزن فعیل صیغه مبالغه از کلمه ارب میباشد)

الارقی-از لقب‏های پادشاهان مغرب است و آن از-رقی(بالا رفتن) بمعنی بلندی و برتری رده گرفته شده است(ارقی-بر وزن افعل-افعل تفضیل‏ از کلمه رقی میباشد).

الازکی-همچنین از لقب‏های پادشاهان مغرب است و آن از زکاة (روئیدن)بمعنی بیشتر گرفته شده و مانند آنست که کسی به بیشتری و برتری‏ و مانند آن نسبت داده شده باشد(ازکی بر وزن افعل-افعل تفضیل از کلمه زکی(